

مقدمه

ساحت تربیت عرفانی و معنوی، در مقایسه با دیگر ساحت‌های تربیتی، از یک نگاه که دارای موضوع (معرفت‌الله)، هدف (قرب و فنای فی‌الله) و روش خاص (کشف و شهود) است، در عرض دیگر ساحت‌های تربیتی قلمداد می‌شود؛ اما از این نگاه که هدف این ساحت، مآل و هدف غایی دیگر ساحت‌هاست، در طول دیگر ساحت‌ها جای دارد و در حکم لبّ اللباب و نقطه اوج است؛ یعنی هدف از تحقق همه ساحت‌های تربیتی، عبارت است از شکوفایی گرایش به معرفت‌الله و تجربه معنویت تام توحیدی که حقیقت قرب الهی در زندگی است. علامه مصباح در این باره می‌گوید: تردیدی نیست که باید جامعه‌ای مبتنی بر عدل و داد به وجود آید؛ ظلم برچیده شود و هر کس به حق خود برسد؛ روابط انسانی و اجتماعی سالم میان افراد جامعه برقرار گردد و انسان‌هایی سالم و تن‌درست در جامعه زندگی کنند. همه این امور باید محقق شوند تا زمینه‌های لازم برای رشد معنوی و روحی هر چه بیشتر و بهتر انسان‌ها و تحقق کمال واقعی ایشان که «قرب الی الله» است فراهم آید. از این رو می‌توان گفت عرفان حقیقی تلاشی است برای رسیدن به عالی‌ترین مقامی که برای یک انسان ممکن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۲).

تربیت عرفانی معنوی با گذار متربی از دست‌کم سه مرحله معرفت، محبت و اطاعت همراه است. بر اساس تحلیل مفهومی واژه اطاعت و نیز آیات و روایات می‌توان اثبات کرد که حقیقت اطاعت جز با وجود معرفت و محبت حاصل نمی‌شود. توضیح اینکه دین‌ورزی و اطاعت فرایندی مرکب از دو عنصر است: بینش و گرایش. بینش از سنخ جزم و علم است و گرایش از سنخ انگیزه و میل و علاقه و عمل است. همه روایاتی که دین را بر مبنای حب و بغض معرفی می‌کنند، به این مسئله اشاره دارند که دین‌داری صرفاً علم و یقین منطقی نیست؛ بلکه گرایش قلبی و محبت درونی در کنار معرفت موجب می‌شود که انسان به سوی کمالات محبوب کشیده شود.

بی‌تردید هرگونه گرایشی معلول معرفت است و محبت به خدا از این قاعده مستثنا نیست. محبت راستین که عبادت و اطاعت صادقانه را به دنبال دارد، ناشی از معرفت عظمت و جلال و جمال الهی است. روایت امام صادق علیه السلام گویای این حقیقت است: «ایها الناس ان الله جلّ ذکره، ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبده فاذا عبدهوا استغنوا بعبادته عن عباده ما سواه...» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، باب ۹، ح ۱)؛ ای آدمیان همانا خداوند بندگان را خلق نکرد مگر آنکه او را بشناسند و هنگامی که شناختند بندگان او را بشناسند و چون بندگی کنند، به بندگی خداوند از بردگی دیگران بی‌نیاز گردند.

اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی

smrmm1346@gmail.com

سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

چکیده

تربیت عرفانی و معنوی با موضوع (معرفت‌الله)، هدف (قرب و فنای فی‌الله) و روش خاص (کشف و شهود)، از مهم‌ترین ساحت‌ها و جنبه‌های تربیتی انسان است. از این رو شایسته است که تلاش‌های تربیتی انسان در مسیر رشد و شکوفایی این ساحت، یعنی تعالی معنوی و عرفانی انسان جهت‌دهی شود. اهداف این عرصه (معرفت‌یابی، محبت‌یابی، اطاعت‌ورزی و خداگونگی) مبتنی بر هست‌ها و نیست‌هایی در حوزه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی است. دستیابی به این اهداف نیز از سویی بر بایدها و نبایدهای برآمده از مبانی استوار است و از سوی دیگر به روش‌ها و راهبردهایی نیاز دارد که از منابع اصیل دینی و بیانات رهپویان این وادی به‌دست آمده است. در پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اهداف اصول و روش‌های عرفانی پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: تربیت عرفانی، تربیت معنوی، اصول تربیت عرفانی، اهداف تربیت عرفانی، روش‌های تربیت عرفانی.

متربیان نخست باید به بالاترین و عمیق‌ترین سطح معرفت‌الله دست یابند. به دنبال این معرفت، عشق و دل‌دادگی به خدای سبحان و مظاهر اسما و صفات او ظهور می‌یابد. این عشق اگر حقیقی و واقعی باشد، بنده را به اطاعت و تسلیم در برابر ربوبیت تشریحی او و می‌دارد. این فرایند حاکی از درهم‌تنیدگی شریعت، طریقت و حقیقت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۶۳)؛ چراکه بر پایه آیه کریمه «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) دست‌یابی به فلسفه اصلی آفرینش آدمی، معرفت‌الله است که به پایبندی به عبودیت و تسلیم می‌انجامد. اگر غایت آفرینش را اطاعت پروردگار بدانیم، این معرفت است که به واسطه محبت، عبادت الهی را به ارمان می‌آورد. شاهد این مدعا، آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱) است که به‌خوبی به رابطه محبت و اطاعت اشاره دارد.

بر پایه مفاد برخی از آیات و روایات، تربیت عرفانی و معنوی، در همه متربیان شکوفا نمی‌شود و در میان کسانی هم که به این موهبت دست می‌یابند، تحقق آن تشکیکی است. اهمیت پرداختن به تبیین و توضیح فرایند تربیت عرفانی و معنوی، به دلیل افراط و تفریط‌هایی است که در طول تاریخ و به‌ویژه در دوره معاصر در زمینه سیر و سلوک، تزکیه، تهذیب و معنویت‌خواهی روی داده است. مقاله حاضر تلاشی برای نظام‌مندسازی تربیت این ساحت بر اساس تبیین اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی و معنوی است. این پژوهش ماهیتی کیفی دارد که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

۱. مفاهیم و تعاریف

۱-۱. عرفان

عرفان در لغت به معنای معرفت (شناخت) است (همان، ص ۳۳). این واژه دست‌کم با شش کاربرد در مضامین مفهوم کلی استفاده شده که هرکدام شامل بیان‌ها و برداشت‌های گوناگونی است. این کاربردهای شش‌گانه عبارت‌اند از: عرفان به مثابه آموزه، تجربه، علم، راه نجات، نوعی معرفت ویژه، فرایندی از تغییر و دگرگونی (ر.ک: قاسم کاکایی و علی موحدیان عطار، ۱۳۸۴).

عرفان به مثابه یک علم، خود به دو شاخه عرفان عملی و نظری تقسیم می‌شود. عرفان عملی عبارت است از مجموعه سفارش‌های لازم دینی برای مبارزه با هوای نفس و رسیدن به مقامات معنوی شناخت حضوری و شهودی خداوند. عرفان نظری شامل منظومه‌ای از دریافت‌های باطنی، از طریق کشف و شهود پیرامون نظام هستی است که افراد واجد شرایط آن را ادراک می‌کنند و

عارف آن دریافت‌ها را با زبان استدلال و برهان بیان می‌کند. به عبارت دیگر مراد از عرفان عملی آن دسته از تعلیماتی است که مشتمل بر شیوه سلوک و آیین رفتار است؛ ولی عرفان نظری متکی بر مفاهیم است و به‌منزله علم دارای مسئله و برهان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). با این حال در نوشتار پیش‌رو، عرفان عبارت است از نوعی معرفت مستقیم و حضوری منتج از کشف و شهود. به بیان دقیق‌تر عرفان، معرفت شهودی خداوند است، که از طریق تهذیب نفس و صفای باطن حاصل می‌شود. ابن‌سینا می‌نویسد: «آن کس که فکر خود را متوجه عالم قدس کرده است تا نور حق پیوسته بر باطنش بتابد، عارف نام دارد» (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۳). بر پایه یک فرموده علوی می‌توان عارف را کسی دانست که به هیچ چیزی نمی‌نگرد مگر آنکه پیش از آن، خدا را می‌بیند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۵۰).

۲-۱. معنویت

واژه «معنوی» منسوب به «معنا» و در مقابل واژه «لفظی» است. این کلمه در معانی دیگری از جمله حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، و روحانی نیز به کار می‌رود و در اصطلاح عرفان اسلامی، شخص معنوی یعنی کسی که درگیر امور غیرمادی است و به واقعیتی فراتر از ماده می‌پردازد و خود را به خدا منتسب می‌کند (لغتنامه دهخدا).

معنویت در لغت، مصدر جَعَلی، و برگرفته از واژه معنوی است. معنویت در طول تاریخ کاربردهای گوناگونی داشته است. واژه معنویت در اوایل قرن پنجم، با توجه به کاربردهای کتاب انجیل، به هر چیزی که به کلیسا و روحانیون تعلق داشته است، گفته می‌شد. با آغاز قرن دوازدهم، معنویت، در مقابل جسمانیت و مادیت قرار گرفت. در قرن هجدهم و نوزدهم، کاربرد این معنا رو به افول گذاشت و در دوران مدرن، معنویت به کلی از مفهوم مطرح در مفهوم ادیان ابراهیمی جدا شد و متضمن مفهومی شد که بیشتر توسط روان‌شناسان انسان‌گرا به کار می‌رود و عبارت است از ویژگی درون‌گرایی که منجر به رفاه و توسعه تجربه درونی افراد می‌شود. این واژه تنها در اوایل قرن بیستم دوباره، با تجدید حیاتی که عمدتاً به کمک نویسندگان کاتولیک فرانسوی صورت گرفت، در معنای اصلی دینی یا نیایشی به‌کار رفت و به‌تدریج بر اموری ویژه و گوناگون اطلاق شد (بهرامی، ۱۳۸۷). امروزه با تحولاتی در معنای این واژه روبه‌رویم و معنایی چون تمرکز، ایجاد خلأ، آرامش حاصل از تأمین نیازهای مادی، معنای زندگی و هدفمندی آن، از آن اراده می‌شود.

با این حال معنویت در نوشتار حاضر عبارت است حالت نورانی ملکوتی و باطنی، که بر اثر بندگی و اطاعت از دستوره‌های خداوند و دوری از پلیدی‌ها در انسان ایجاد می‌شود. در آموزه‌های برگرفته از قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، معنویت اشاره به توانایی ارتباط معنوی و عرفانی با خداوند، و ابراز فقر و وابستگی (فاطر: ۱۵) به او و نیز استمداد از درگاهش در قالب ذکر، دعا، نیایش، توسل و مانند آن دارد. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به‌ویژه امام علی بن‌الحسین علیه‌السلام در **صحیفه سجاده** با عرضه دعاها و نیایش‌های گوناگونی که آدمی را در فراز و نشیب زندگی به خدای خود ربط می‌دهد، شیرین‌ترین و جذاب‌ترین روش کسب معنویت را به جامعه بشری هدیه کرده‌اند. پیش از این منابع معنوی و عرفانی، قرآن کریم به‌منزله کتاب زندگی و آیین ارتباط‌بندگان با خدای سبحان، بهترین و کامل‌ترین معارف و روش‌های رسیدن به اوج قلّه معنویت را در اختیار آدمی قرار داده است.

۳-۱. تربیت عرفانی

تربیت عرفانی عبارت است از: زمینه‌سازی برای تعالی‌بخشی و شکوفاسازی نیازها و ظرفیت‌های معنوی متربی در چارچوب شریعت و آماده‌سازی وی برای پیمودن مراحل سیر و سلوک و شهود حق.^۱ بنابراین در تربیت عرفانی و معنوی، نخست باید به دنبال آگاه‌سازی متربی نسبت به نیاز و ظرفیت معنوی خود و سپس هدایت او به بهره‌گیری از راه‌های پرورش توانایی‌های باطنی خویش با دوری از حجاب‌های نفس و مراتب پست دنیای حس و ماده، و رهایی از چنگ نفس اماره و تقویت ایمان و اخلاص در چارچوب موازین دینی و دستیابی به عشق خدا بود. در پایان متربی می‌کوشد همزمان با پیمودن منازل، حالات و مقامات، جذبه‌ها، نفعات و حالات روحانی را دریابد و به فنای فی‌الله و بقای بالله برسد.^۲

۴-۱. نسبت‌سنجی تربیت عرفانی و مفاهیم مشابه

با توجه به این نکته که دین دست‌کم سه عرصه باورها، ارزش‌های اخلاقی و احکام رفتاری را دربر می‌گیرد، بر اساس این سه عرصه، سه ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، شکل می‌پذیرد. تربیت معنوی و عرفانی، روح و باطن هر یک از این ساحات قلمداد می‌شود؛ چراکه در تربیت اعتقادی، متربی در رسیدن به باورهای متقن و مستدل، یاری‌رسانی می‌شود؛ در تربیت اخلاقی، به شناخت و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی کشانده می‌شود و سرانجام در تربیت عبادی، باورها و ارزش‌ها به

یکدیگر پیوند می‌خورند و میوه اطاعت، عبادت و تسلیم در برابر احکام‌الله را به بار می‌آورند. براین‌د تربیت‌یافتگی در سه ساحتی که مجموعاً تربیت دینی به‌شمار می‌روند، به شرط آنکه به صبغه شهود، کشف و محبت الهی آذین شود، باطن و گوهر تربیت دینی یعنی تربیت عرفانی است.

۲. اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی

بر پایه آنچه در آغاز توصیف این ساحت سترگ تربیتی گفتیم، تربیت عرفانی بر سه ستون معرفت، محبت و اطاعت استوار است. چیدمان اهداف، اصول و روش‌های این ساحت، بر پایه این الگوی ساختاری پیش رفته است. در این الگو مریبان می‌کوشند متربی سالک را به مواهب معرفت، محبت و اطاعت مفتخر سازند و او را در راه‌یابی به قلّه کمال انسانی که همان خدایابی و خداگونگی است، یاری دهند. فرایند تربیت معنوی و عرفانی از جاده‌ای پیچان و پررهز می‌گذرد که نیازمند نظارت مربی و خودبانی سالک است. کوچک‌ترین غفلت یا بی‌توجهی از سوی مربی یا سالک، منجر به ازراه‌افتادگی و فرورفتن در دام شیطان است. در دوران معاصر با ظهور مکتب‌های عرفانی انحرافی، این دیده‌بانی و مراقبت ضرورتی دوچندان دارد و کارشناسان را بر آن می‌دارد که نقشه راه هموار و مطمئنی را برای این امر مهم تدارک ببینند. چیدمان اهداف، اصول و روش‌های زیر، اقدام نخستینی برای تدارک این مهم است.

۱-۲. هدف نخست: معرفت‌یابی

مریبان یا پیران عرصه تربیت معنوی و عرفانی، در نخستین گام تربیتی، باید سالک متربی را به خودیابی، خودباوری و خودشناسی‌ای برسانند که سکوی پرش وی برای معرفت‌الله باشد. بر پایه یک فرموده مشهور نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲)، معرفت شهودی از خویشتن، فقر ذاتی و ظرفیت‌های کمال‌جویانه می‌تواند به معرفت‌الله بینجامد. متربیان باید به هوش باشند که برخلاف دیگر ساحت‌ها، ساحت تربیت معنوی و عرفانی در گرو دستیابی به معرفت حضوری، کشفی و شهودی است. این دستیابی در گام نخست، نیازمند بیداری و فعال‌سازی معرفت اجمالی و بالقوه خداجویی است.

وجود میل به معنویت و گرایش به عرفان در انسان موجب شده است تا فرقه‌ها، نحله‌ها و مکتب‌های فراوانی با اغراض گوناگونی مانند اغراض سیاسی، سودجویی‌های مادی،

مریدپروری و مبارزه با عرفان حقیقی به وجود آیند. وجود فرقه‌هایی مانند شیطان‌پرستی، عرفان‌های کیهانی، اوشو، اکنکار، دالایی‌لاما، کابالا، بودا، جین و برهمن گونه‌ای از این عرفان‌ها هستند که برخی از آنها معنویت را در حد تمرکز و خلأ معرفتی یا آرامش در پرتو رسیدن به نیازهای مادی تنزل داده‌اند (ر.ک: شریفی، ۱۳۸۹).

باید توجه داشت که یکی از آداب دانستن و عمل به معارف الهی، نداشتن دیدگاه‌های انحرافی است. این آمادگی، مراتب گوناگونی دارد که نخستین مرتبه ضروری برای ورود به معارف (چه از جهت علمی و چه از حیث عملی) نداشتن دیدگاه منفی نسبت به حقایق و معارف است. سالک طریق معنویت باید به دنبال معرفت صحیح از هدف باشد تا با درک صحیحی از راه و طریق رسیدن به هدف والای خلقت، آن را از بی‌راهه‌ها باز شناسد و بدون چنین آگاهی‌هایی، حرکت جز دوری و بعد حاصل دیگری برای او نخواهد داشت. به فرموده امام صادق علیه السلام: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق ولا یزیده سرعة السیر من الطریق الا بعدا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ عمل‌کننده بدون بینایی مانند سیرکننده بر غیر راه است که سرعت سیر او را جز دوری از راه نمی‌افزاید (تحریری، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

تبیین معیارها و ملاک‌های عرفان حقیقی مبتنی بر مبانی فکری و اعتقادی مستدل و محکم می‌تواند طالب معنویت را راهنمایی و از افتادن در ورطه‌ها و پرتگاه‌های پوچ‌گرایی و مادیت نجات بخشد. این هدف در پرتو اصول و روش‌های زیر دست‌یافتنی است.

اصل ۱. بیداری و جهت‌دهی گرایش معنوی خداخواهی و توحیدگرایی

هرچند در فطرت و آفرینش انسان میل و کشش به سوی معنویت و خدای سبحان به ودیعه گذاشته شده است و به تعبیری استعداد عرفانی در انسان ذاتی است، این امر فطری و استعداد ذاتی، گاه کانون بی‌توجهی قرار می‌گیرد و به غفلت سپرده می‌شود. افزون بر این باید توجه کرد که به این کشش فطری و معرفت ابتدایی اصطلاحاً عرفان گفته نمی‌شود. معرفت عرفانی، مجموعه شهودهایی است که معمولاً پس از سلوک حاصل می‌شود. بنابراین در تربیت عرفانی باید به بیدار کردن این میل فطری و جهت‌دهی به آن توجه شود.^۳ دستیابی به این هدف (بیداری و جهت‌دهی گرایش معنوی خداخواهی و توحیدگرایی) با توجه به اصول و روش‌هایی امکان‌پذیر است که بدانها اشاره می‌کنیم.

اصل ۱-۱. بایستگی غفلت‌زدایی متربی برای آغاز سیر (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

آگاه‌سازی متربی از: ۱. آیات و روایات مقامات سالکان، ۲. عوامل غفلت‌زدا (رفتن به قبرستان، گوش سپردن به واعظ)، ۳. زیارت مشاهد مشرفه، ۴. دیدار با ابرار و سالکان، ۵. قرائت آیات اندازی قرآن، دعا و ذکر، ۵. سیر و سلوک از دوران جوانی.

هشدار نسبت به: ۱. ضرورت برخاستن از دامن خاک (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷-۱۱۷)، ۲. تکرار نشدن فرصت‌ها، ۳. پیامدهای غفلت از معنویت (گمراهی، سردرگمی، پشیمانی)، ۴. سطحی‌نگری در مسائل زندگی، ۵. هم‌نشینی با اهل دنیا و غفلت، ۶. عوامل غفلت‌آور (مجالس لهو و لعب، دوستان غافل، دنیازدگی، موسیقی غنایی).

اصل ۲-۱: بایستگی بینش‌دهی نسبت به ظرفیت‌های معناخواهانه و خداجویانه فطری

آگاه‌سازی متربی نسبت به: ۱. انسان‌شناسی اسلامی با تأکید بر فطرت الهی، ۲. ظرفیت‌های خداجوایی، ۳. زیبایی‌طلبی، ۴. معنویت‌جویی و کمال‌خواهی، ۵. ماهیت از اوایی و به سوی اوایی انسان، ۶. عوامل شکوفایی ظرفیت‌های معنوی، ۷. مکتوم و بالقوه بودن ظرفیت‌های معنوی، ۸. بیان شاخص‌های فطرت خداجویی و تقویت آن در برابر ظرفیت‌های فجور‌آور، (شمس: ۸) ۹. نقش اراده و اختیار در شکوفاسازی ظرفیت‌های معنوی.

اصل ۳-۱: بایستگی انگیزه‌بخشی نسبت به سلوک و تجربه عرفانی

آگاه‌سازی متربی نسبت به: ۱. دورنمای زیبایی‌ها و لذات معنوی، ۲. لطافت‌های عرفانی آیات، روایات و نثر و نظم عرفانی، ۳. آیات و روایات مربوط به معرفت شهودی (اسراء: ۱)، ۴. زیبایی‌های باطن عقاید، احکام و اخلاق، ۵. کتاب‌های سرگذشت سالکان و اصل، ۶. آثار و برکات سیر معنوی (زیستن با آرامش، رستن از دام شیطان، هم‌جواری با افراد پاک، انسان کامل شدن)، ۷. لذت‌ها و زیبایی‌های تجربه‌های عرفانی و مکاشفات عارفان و اصل.

اصل ۲. معرفت‌یابی نسبت به مقصد و مسیر (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۰۹-۴۹۱)

اصل ۲-۱. بایستگی معرفت‌دهی نسبت به ذات، اسما و صفات جمال و جلال الهی

آگاه‌سازی متربی نسبت به: ۱. ادبیات عرفانی با تأکید بر خداشناسی، ۲. شرح اسماء‌الله و صفات الهی، ۳. مضامین آیات عرفانی با تأکید بر خداشناسی، ۴. انس با ادعیه و توجه به مضامین اعتقادی و

خداشناسی آن مانند دعای جوشن کبیر، ابوحزمه، افتتاح و صحیفه سجاده، ۵. اعتقادات شیعی با تدریس و یادگیری کتاب‌های اعتقادی، کلامی و عرفانی با تأکید بر خداشناسی و توحید مانند کتاب **توحید صدوق**، ۶. توجه کردن به رعایت تفاوت‌های فردی در دستیابی به معرفت الهی و طی مراحل آن، ۷. تشبیه‌های معقول به محسوس در معرفت‌بخشی نسبت به خداوند.

اصل ۲-۲. بایستگی شناخت‌دهی نسبت به مطابقت سلوک با فطرت و شریعت

آگاه‌سازی متری نسبت به: ۱. معیارهای عرفان ناب محمدی ﷺ، نقش شریعت در طریقت و رسیدن به حقیقت، ۲. ظرفیت شریعت در ارائه توصیه‌ها، ۳. فلسفه احکام و دستورهای دینی در ارتقای معنوی، ۴. شمول و دوام آیات مربوط به لزوم اطاعت از دستورهای خداوند نسبت به اصل و غیرواصل، ۵. لزوم مطابقت مبانی و دستورهای عرفانی با داشته‌های فطری، ۶. عرفان‌های نوظهور منحرف از شریعت و فطرت (افراطی و تفریطی) و سیره عالمان سالک شریعت‌محور و فطرت‌گرا (مصباح، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳-۱۳۶).

اصل ۲-۳. بایستگی معرفت نسبت به لزوم جامعیت سیر و سلوک

آگاه‌سازی متری نسبت به: ۱. فراوانی و درهم‌تنیدگی ابعاد و نیازهای انسان، ۲. لزوم جامعیت سیر و سلوک در توجه به نیازهای روح و بدن، و اعتدال در تأمین نیازهای روح و بدن در سیر معنوی، ۳. لزوم جامعیت سیر و سلوک نسبت به رفتارهای جوارحی و جوانحی، ۴. وظایف فردی و اجتماعی، ۵. ارتباط و همراهی دنیا و آخرت و مقدمه بودن دنیا برای آخرت، ۶. آیات و روایات مربوط به بهره‌گیری از دنیا و رابطه آن با آخرت، ۷. سیره معصومان و عارفان صادق در بهره‌گیری از دنیا، ۸. درهم‌تنیدگی دین و سیاست در اسلام، ۹. نتایج سرکوب امیال و غرایز در سیر معنوی، ۱۰. دسیسه‌های استعمار در تشویق به گوشه‌نشینی و رهبانیت و گوشه‌گیری در اسلام.

اصل ۲-۴. بایستگی معرفت نسبت به لزوم مرحله‌مندی سلوک

تربیت‌پذیری معنوی متری سالک، باید بر پایه اصول تدریج، استمرار و مرحله‌واری پیش رود. مکتب‌های عرفانی در تربیت متریان خود، نقشه‌ها و رویکردهای گوناگونی را ترسیم می‌کنند. برخی به منازل، گروهی به سفرها، شماری به مراحل و عده‌ای به مقامات سلوک اشاره کرده‌اند (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۷). مریبان و کارگزاران باید با توجه به ظرفیت‌های متری و

همچنین رویکرد و شیوه‌ای که مری در پیش می‌گیرد به این یا آن روش اقدام کنند. برای مری بالاترین دغدغه این است که از متری خود «حی یقظان» بسازد؛ سالکی که هم زنده است و هم بیدار. در این مقاله تلاش ما بر این امر متمرکز است که خطوط پهن و معیارهای کلی مرحله‌مندی سلوک را ترسیم کنیم (همان، ص ۳۸۹)؛ اما چگونگی و تفصیل مراحل و مقامات به عوامل پیش‌گفته منوط است. این خطوط و معیارها بدین قرارند:

آگاه‌سازی متری نسبت به: ۱. لزوم سیر گام‌به‌گام سلوک، ۲. وجود مکاتب و رویکردهای گوناگون در تبیین مراحل و مقامات سلوک، ۳. لزوم متابعت از دستورهای مرحله‌مند مری، ۴. منازل سلوک (مثلاً توبه، ورع، شکر، یقین، توکل و رضا)، ۵. لزوم ترتب زنجیره‌ای روش‌های عام سلوک (برای نمونه: مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاقبه، مجاهده، معاتبه)، ۶. آسیب‌های شتاب‌زدگی و جهش در سلوک، ۷. تندروی و کندروی و عدم رعایت ترتب مراحل.

اصل ۲-۵. بایستگی توجه دادن نسبت به اهمیت معرفت حضوری (کشف و شهود)

آگاه‌سازی متری نسبت به: ۱. اصالت داشتن کشف و شهود در سیر و سلوک، ۲. برتری معرفت‌های شهودی بر علوم حصولی (عقلی، تجربی، نقلی)، ۳. نواقص معرفت‌های حصولی در کشف حقایق (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲)، ۴. روش‌های کشف و شهود به‌ویژه تقوا و رعایت حریم‌های الهی، ۵. معیارهای اعتبار کشف و شهود (مطابقت با شریعت و عقل‌پذیری)، ۶. بایستگی تصحیح شناخت نسبت به یافتنی بودن معرفت شهودی و لزوم تلاش حضوری متری، ۷. آسیب‌های بیان شهودات و مکاشفات.

اصل ۲-۶. بایستگی معرفت نسبت به عوامل و موانع سلوک

آگاه‌سازی متری نسبت به: ۱. عوامل سیر و سلوک (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳): عزم و اراده جدی، معرفت و بصیرت، صبر و استقامت، سلامت و نیرومندی بدن، راهنما و مری، توسل و ارتباط با صاحب ولایت، رفیقان راه، تفکر و عقلانیت، مداومت و مدارا در عبادت، دوام طهارت، تضرع و ابتهاج، ذکر (بهشتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵)، ۲. موانع عام سیر و سلوک اعم از دنیا، نفس و شیطان (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۳-۱۹۵)، و نقش گناه در سلب توفیقات معنوی، ۳. شبهات سیر الی الله (منافات سلوک با کار و کسب، و تحصیل علم، بی‌معنا دانستن سفر الی الله، نامشروع پنداشتن ریاضات، و خطرناک پنداشتن راه) و پاسخ آن.

۲-۲. هدف ۲. محبت‌یابی و عشق‌ورزی

در دومین گام تربیت معنوی و عرفانی، بر پایه‌ی ارشادات و دست‌گیری‌های مربی عارفِ واصل، مرتبی با رشد و تعالی در حوزه‌ی معرفت‌الله، به فراخنای عشق به خدا و اولیای او کامیاب می‌شود (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱). اگر معرفت‌شهودی در گام نخست، درست و عمیق شکل گرفته باشد، جوانه‌ی محبت و دل‌دادگی به خدا و تجلیات اسما و صفات او در دل مرتبی سالک سر می‌زند. این محبت، وی را به هوای تعمیق و ارتقای معرفت‌الله و پایبندی به ربوبیت تشریحی او و عبودیت در چارچوب شریعت می‌کشاند. محبت و دل‌دادگی همانند معرفت، به‌گونه‌ای اجمالی و بالقوه در کفه‌ی فطرت آدمی به موهبت گذاشته شده است. این گرایش در گام نخست نیازمند بیدارسازی و فعال کردن است؛ اما اقدامات بعدی مربی واصل می‌تواند این محبت را در قالب عشقی سوزان شعله‌ور کند و مرتبی را مجنون خداوند سازد. این جنون عاشقانه، به نوبه‌ی خود میوه‌ی طاعت و بندگی را به بار می‌آورد. اصول و روش‌های برشمرده زیر، به‌دست‌دهنده‌ی نقشه‌ی راه شکوفاسازی و ارتقای دل‌دادگی به خداوند و اولیای الهی است.

اصل ۱-۲. بیداری و جهت‌دهی خداگرایی و خدادوستی

الف. بایستگی درک و توجه به زیبایی‌های خداوند

آشناسازی مرتبی سالک با صفات جمال الهی و تجلیات جمال الهی در گستره‌ی هستی (جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها به‌ویژه معصومان علیهم‌السلام)؛ و ترغیب مرتبی به تبیین و تفسیر جلوه‌های رحمت الهی مبتنی بر آیات و روایات و تبیین و تفسیر محبت به‌منزله‌ی گوهر دین (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۶۳)، در کنار تشویق به انس با قرآن و توجه به زیبایی‌های لفظی و معنایی قرآن کریم، و داستان‌های بیانگر لطف، رحمت و امدادهای الهی (داستان‌های انبیای الهی و اولیا).

ب. بایستگی درک و برشمردن نعمت‌های الهی

توجه دادن مرتبی به: ۱. نعمت‌های مادی و معنوی و درونی و بیرونی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵۵)، ۲. نعمت اسلام، ۳. ایمان و ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۴. روابط سببی و نسبی (پدر، فرزند و...)، ۵. شمارش‌ناپذیری نعمت‌های الهی (نحل: ۱۸)، ۶. عنایات و امدادهای الهی در مراحل گوناگون رشدی انسان (قیامه: ۳۷).

ترغیب مرتبی به: ۱. مطالعه در آفرینش با هدف نعمت‌نگری (سیر آفاق و انفس)، ۲. مطالعه کتاب‌هایی در زمینه‌ی نعمت‌شناسی مانند **توحید مفضل** و **شگفتی‌های آفرینش**، ۳. نگرستن آئوی به آسمان و زمین.

ج. بایستگی توجه دادن به محبوبیت مخلوقات نزد خداوند

توجه دادن مرتبی به: ۱. روایات بیانگر محبوبیت مخلوقات به‌منزله‌ی یک حکمت آفرینش، ۲. توجه به گروه‌های گوناگون محبوب نزد خداوند بر اساس کریمه‌های قرآنی «متوکلین (آل‌عمران: ۱۵۶)، صابرین، محسنین (بقره: ۱۹۵)، توابین (بقره: ۲۲۲)، متقین (توبه: ۴) و مقسطین (مائده: ۴۳)»، ۳. نقش اطاعت از معصومان در محبوب شدن نزد خداوند (آل عمران: ۳۱)، ۴. نقش تقویت و تعمیق ایمان در تشدید محبت به خداوند (بقره: ۱۶۵)، ۵. برکات و سودمندی محبت به خداوند و اولیای الهی برای خود سالک (فرقان: ۵۷)، ۶. محبوبیت پاکیزگان و توبه‌کنندگان نزد خداوند (بقره: ۲۲۲).

اصل ۲-۲. فعال‌سازی خداگرایی و تعمیق خدادوستی

الف. تجربه‌ورزی شهودی و کشفی عشق به خدا و اولیای او (مصباح، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱)

فراهم‌سازی شرایط: ۱. سخن گفتن با خدا (در قالب نماز، ذکر، دعا و نیایش)، ۲. چشیدن شیرینی یاد خدا و انس با او (تجربه‌ی عشق مجازی در محدوده‌ی شرع و قانون به‌منزله‌ی پل درک عشق حقیقی) (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶)، ۳. فضای معنوی با هدف تجربه‌ی عشق شهودی به خداوند (پخش اذان، قرآن، ادعیه، نماز جماعت و سخنرانی‌های معنوی)، ۴. سفر به مشاهد مشرفه و مواقف کریمه به‌ویژه تشریف به حج، ۵. توسل به اولیای الهی به‌ویژه اهل‌بیت علیهم‌السلام با هدف انس با خداوند.

ترغیب مرتبی به: ۱. حضور در مجالس انس با خدا، ۲. دیدار با عارفان و اولیای الهی، ۳. تضرع و انابه بر آستان حق در دل شب و انس با خداوند، ۴. خواندن عارفانه‌ی ادعیه به‌ویژه دعای عرفه، خضر (کمیل) و ابوحمزه، ۵. محبت نسبت به هم‌نوعان، ۶. مطالعه‌ی سرگذشت عاشقان واقعی و سیره‌ی شهدا.

ب. بایستگی اوج گرفتن به قله‌ی عشق، یعنی ندیدن خود و تجربه‌ی فنا

تشویق مرتبی به: ۱. خالص‌سازی نیت و انگیزه در سیر معنوی (پرهیز از سیر و سلوک به امید رسیدن به کرامات و یا با چشم‌داشت به تشویق دیگران)، ۲. توسل، ارتباط و پیروی از اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۳. مداومت بر اذکار و ادعیه به‌ویژه صلوات بر پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۴. پنهان کردن ذکر و نیایش و خدمت به خلق، ۵. هم‌نشینی با فقرا و نیازمندان و پرهیز از هم‌نوایی با مترفان، ۶. شکرگزاری در فراز و فرود زندگی (ابراهیم: ۷)، ۷. توجه به فقر ذاتی و عجز و ناتوانی در همه‌ی زمینه‌ها در برابر خداوند (فاطر: ۱۵)، ۸. مطالعه‌ی زندگی معصومان علیهم‌السلام و فانیان فی‌الله و الگوگیری از آنان، ۹. پرهیز از خودخواهی و انانیت.

۳-۲. هدف ۳. اطاعت الهی و تجربه عمل عرفانی- معنوی

اطاعت و سرسپاری به ساحت ربوبیت تکوینی و تشریحی، زیباترین جلوه تربیت عرفانی و معنوی است. مرتبی سالک، در جاده سلوک، با برخورداری از موهبت معرفت و محبت، خود را در برابر ربوبیت تشریحی خداوند سبحان دل‌باخته می‌یابد. عبودیت و سرسپردگی مرتبی سالک، وی را محبوب خدای سبحان و گام زدن در مسیر خداگونگی می‌کند. پرهیز از عبودیت خودساخته و التزام به مشیت خداوند در قالب تعبد به شریعت، پیش‌نیاز اجتناب‌ناپذیر اوج‌گیری به بارگاه قدس خداگونگی است. حساس‌ترین و دشوارترین مرحله تربیت‌شدگی عرفانی، التزام تام و موبه‌مو در عرصه عبودیت و بندگی است. گذار کامل و بی‌دغدغه از این مرحله حساس، در گرو به‌کارگیری اصول و روش‌هایی است که در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. بایستگی فراهم‌سازی پیش‌نیازهای سلوک

توجه دادن مرتبی به: ۱. فراهم‌سازی زمینه‌های سلامتی و آمادگی بدنی و مزاجی، ۲. تطهیر و تنظیف قلب و روح، ۳. اصلاح رفتارها و عادات رهن (مانند پرخواهی، پرخوری، پرگویی)، ۴. تصعید و ارتقای تجارب معنوی پیش از سلوک، ۵. تمرین مرتبی به خودبانی و خودمهارى از راه‌هایی همانند نادیده انگاشتن تکانه‌ها و شهوات نفسانی یا تغییر موقعیت، ۶. تقویت اراده با به‌کارگیری روش‌هایی همانند تمرین مهار اندام‌ها و خطورات، ۷. حسن ظن مرتبی به خداوند، ۸. روحیه صبر بر معصیت، اطاعت و مصیبت با بیان پاداش‌ها و درجات معنوی صابران، ۹. امید و پیش‌روی در مسیر معنوی، ۱۰. روح تسلیم کامل در برابر استاد و پیر راه، ۱۱. دل‌ن بستن به امکانات دنیوی.

ب. بایستگی تدریج و ثبات قدم در سلوک

توجه دادن به: ۱. ارائه و مقدم داشتن دستورهای سهل‌الوصول به مرتبی، ۲. ترغیب مرتبی به پیمودن آهسته و پیوسته راه سلوک، ۳. زدودن تزلزل‌های انگیزشی و وسواس‌های فکری مرتبی سالک، ۴. گام‌های پیموده شده هرچند ناچیز، ۵. پذیرش میزان میسر رشد معنوی و نادیده انگاشتن آنچه در توان مرتبی نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰)، ۶. تجربه پیش‌کسوتان و عارفان واصل، ۷. پرهیز از شتابزدگی، و رعایت توالی مراحل و دستورها.

ج. بایستگی التزام مرتبی به دستورها و اقتضائات هر مرحله

گفتنی است که چون دستورها در مکاتب و مشی‌های عرفانی موجود در عرفان شیعی، فراوان و گوناگون است، تنظیم و سامان‌دهی آنها مربوط به حوزه عرفان عملی است و متن حاضر تنها درصدد بیان اصول و روش‌های تربیتی است که فرایند تربیت معنوی و عرفانی را تسهیل و کارشناسی می‌کند و تهیه دستورها و نحوه سلوک، نیازمند سرفصل و متن ویژه و جداگانه‌ای است که در جای خود باید به آن پرداخته شود. برای دستیابی به اصل پیش‌گفته این روش‌ها توصیه می‌شود:

آگاه‌سازی مرتبی نسبت به: ۱. شرایط و مقتضیات هر مرحله، ۲. مشروعیت و اعتبار دستورها برای مرتبی، ۳. نقش التزام به دستورها و اقتضائات هر مرحله در رشد معنوی، ۴. فلسفه و حکمت دنیوی و اخروی دستوره‌های هر مرحله، ۵. پیوند مقتضای هر مرحله و چگونگی التزام (از نظر تندی، کندی و مانند آن)، ۶. سندیت و مرجعیت مرتبی و پیر راه برای مرتبی، ۷. بهره‌گیری از تشویق، تنبیه و تنبه در پایبندی به دستورها.

د. بایستگی رعایت اعتدال و میانه‌روی در سلوک

توجه دادن مرتبی نسبت به: ۱. پرهیز از افراط و تفریط در عمل و نظر، ۲. میانه‌روی نسبت به مقتضیات ظاهر و باطن، نفس و بدن، جوارح و جوانح، و دنیا و آخرت، ۳. جمع خدمت به خدا و خلق (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۹۱)، ۴. تشویق مرتبی به رعایت اعتدال در التزام به محرمات و رخصت‌ها (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۷)، ۵. ضرورت اعتدال در فهم و التزام در زهد، صبر و توکل، قضا و قدر و اختیار.

ه. بایستگی استنادمداری

توجه دادن مرتبی نسبت به: ۱. ضرورت رجوع جاهل به عالم (نحل: ۴۳)، ۲. نیاز به مرتبی در هر تربیت عملی به‌ویژه تربیت عرفانی و معنوی، ۳. ضرورت داشتن استاد به‌ویژه در مراحل عالی سلوک، ۴. نقش استاد در ارائه رهنمودها بر پایه تفاوت‌های فردی و مراحل گوناگون سلوک، ۴. نقش نفس و ولایت انسان کامل در سیر و سلوک، ۵. ضرورت حضور استادان عام و خاص در تربیت عرفانی، ۵. شرایط استادان خاص معنوی (عصمت، مانند پیامبر و امام علیهم‌السلام)، ۶. شرایط استادان عام با اختلاف مراتب (صاحب سر، دارای ولایت باطنی، صاحب نفس، صادق، مورد وثوق، دین‌شناس، راه‌شناس، راه‌پیموده، هماهنگی سیاست و دیانت، رسیدن به مقام فنا)، ۷. راه‌های شناخت استاد و

۴-۲. هدف ۴. خدایابی و خداگونگی (قرب)

خدایابی و خداگونگی به منزله نقطه اوج تربیت معنوی و عرفانی، شاهکار ربوبیت تکوینی و تشریحی خدای سبحان است. کلیت آفرینش، ارسال رسل و انزال کتب، با هدف بلند کردن آدمی از دامن دنیای خاکی به سوی اوج قلّه کمال و خداگونگی است. اگر متربی سالک، در مسیر سلوک توفیق یابد که مراحل پیش‌گفته را یکی پس از دیگری با دقت و تدریج پشت‌سر گذارد و در التزام به اصول و روش‌های پیش‌گفته کوتاهی نکند، حلاوت باریابی به مقام قرب و نشستن بر بام هستی و نظاره مظاهر جلال و جمال الهی، فلاحی است که به منزله دستاورد عبودیت و بندگی به آن می‌بالد. لذت باریابی به مقام قرب آن‌چنان عمیق و از خود بی‌خودکننده است که متربی سالک را به راحتی از خود عبور می‌دهد و به مقام فنا می‌کشاند. توجه به جامعیت و همه‌جانبه بودن رشد معنوی و دستیابی به مقامات بلند صبر و تسلیم و رضا، پیش‌نیاز این باریافتگی است. با توجه به الگوی مثلثی معرفت، محبت و اطاعت در باب تربیت عرفانی و معنوی، عروج و باریابی به مقام خداگونگی و قرب در گرو التزام بی‌چون‌وچرا نسبت به دستورالعمل‌های دین و سلوک و پشت‌سر گذاشتن این مقامات سه‌گانه است. گفتنی است که قرب و خداگونگی در سیر و سلوک معنوی، همان اشتداد وجودی، توسعه نفسانی، شکوفایی ظرفیت‌های فطری و اتصاف به اسما و صفات ذات باری است. این امر چیزی نیست که در بند الفاظ یا دستورهای تربیتی در آید؛ چراکه عارف سالک آن را می‌یابد، شهود می‌کند و به آن می‌رسد. از این رو نمی‌توان برای ترسیم آن یا ارائه روش دستیابی به آن، همانند اهداف پیش‌گفته، اصول و روش بیان کرد. عارفان واصل و انسان‌های کامل این مقام را در همین حد توصیف کرده‌اند و نظام‌نامه تربیتی چیزی بیش از این در ترسیم و توصیف آن ندارد.

نتیجه‌گیری

اصل عرفان در جان انسان ریشه دارد. فطرت بشر با عرفان و گرایش به غیب سرشته شده است و سر اینکه عرفان هندی، بودایی، سرخ‌پوستی، یهودی، اسلامی و شیعی به وجود آمده نیز همین است. رسالت اصلی ادیان الهی بیدارسازی همین فطرت و هدایت آدمیان به سوی خداوند سبحان و معنویت واقعی است. اگر فطرت آدمی بیدار و هدایت نشود، وی مقام انسانیت خود را باز نمی‌یابد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام دربارهٔ انسانی که فطرتی خفته یا منحرف شده دارد می‌فرماید: «فاصورة صوة الانسان والقلب قلب حیوان» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷)؛ در صورت به ظاهر آدمی

شاخص‌های او (اجماع بر استاد بودن او نزد اهل فن، شهادت انسان کامل بر صلاحیت استاد مورد نظر، اعتماد و مراجعه انسان‌های سالک به او)، ۸. اطمینان یافتن از مصیب بودن رهنمودهای استاد (هماهنگ بودن دستورهای او با کتاب، سنت، عقل و فطرت)، ۹. اعتماد و عمل بی‌چون‌وچرا به رهنمودهای استاد کامل، ۱۰. همراهی با استاد کامل و جدا نشدن از او در همهٔ مراحل سیر، ۱۱. آسیب‌های عمل بدون استاد و خطرات مرادپروری و مریدپروری از سوی استاد.

و. بایستگی خودسامان‌دهی معنوی و عرفانی

توجه دادن متربی نسبت به: ۱. رعایت اصول و روش‌های پیش‌گفته، ۲. آسانی و موفقیت بیشتر سیر و سلوک در جوانی، ۳. بایسته‌های سلوک، همانند تفکر، اصلاح قلب، سکوت، خلوت، روزه‌داری، دوام بر طهارت، تأدب به آداب شریعت، اهتمام به نماز اول وقت، توسل و پاس‌داشت موالید و وفیات ائمه هدی علیهم‌السلام، قرائت و تدبیر در قرآن و ادعیه، به‌ویژه دعای یا من اظهر الجمیل، امین‌الله، مناجات شعبانیه و زیارت جامعه کبیره، ۴. ضرورت مدارا با نفس و بدن.

ترغیب متربی نسبت به: ۱. عمل کردن به دانسته‌ها و توقف و احتیاط در ندانسته‌ها، ۲. داشتن برنامه سلوک از عارف واصل، ۳. مداومت بر برنامه سلوک و پرهیز از تسویف و تذبذب، ۴. تلاش برای خدایی کردن انگیزه‌ها، ۵. انجام مقدر مستحبات و پرهیز از مکروهات، ۶. ترک مباحات در غیرمقدار، ۷. خودارزیابی گام‌به‌گام و مرحله‌ای در سلوک، ۸. خوگیری به تمرین، ریاضت، تحمل معقول و مشروع.

ز. بایستگی تثبیت و حفظ دستاوردهای سلوک

ترغیب متربی نسبت به: ۱. سپاس‌گزاری از خداوند در برابر توفیقات سلوک، ۲. خشنودی و رضایت در هر مرحله از سلوک، ۳. پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال، ۴. تمرین و ممارست در برنامه‌های سلوک، ۵. استمرار ذکر و پرهیز از غفلت، ۶. توسل و توجه مستمر به اهل‌بیت علیهم‌السلام و بردباری و استقامت در برابر سختی‌های سلوک.

هشدار متربی نسبت به: ۱. آفات علمی اعم از فهم نادرست معارف، توهم بی‌نیازی به استاد، خیال‌جذبه، و توهم کمال، ۲. آفات عملی اعم از بدبینی به غیرسالکان، بدبینی به علمای ظاهر، سهل‌انگاری نسبت به شریعت، افشای سر، دل دادن به کشف، کرامات و مقامات، تعدد استاد، خلط منزل با مقصد، سرپیچی از دستورهای استاد، و مریبگری پیش از کمال، ۳. عوامل قبض و بسط در مسیر سلوک.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، *علل الشرایع*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- ابن سینا، حسین، ۱۳۷۵، *الاشارات و التنبيهات*، نمط نهم، فی مقامات العارفين، قم، البلاغه.
- امینی نژاد، علی، ۱۳۹۰، *آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بهرامی، هاجر، ۱۳۸۷، «معنا و معنویت از دیدگاه روان‌شناختی»، *راه تربیت*، ش ۱۰، ص ۱۶۹-۱۴۳.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۶، *آراء تربیتی اندیشمندان مسلمان*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- تحریری، محمدباقر، ۱۳۸۸، *شرح حیث عنوان بصری*، قم، حر - سبحان.
- رضایی تهرانی، علی، ۱۳۹۲، *سیر و سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمد، ۱۳۸۸، *مقالات*، تهران، سروش.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۸۹، *درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و کاذب*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عروسی حویزی، عبدعلی، ۱۴۱۵ق، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- کاشی، عبدالرزاق جلال‌الدین، ۱۳۷۹، *شرح منازل السائرين*، ترجمه علی شیروانی، تهران، نشر الزهراء.
- کاکایی، قاسم و علی موحدیان عطار، ۱۳۸۴، «نگاهی پدیدارشناسانه به کاربردهای مفهومی عرفان»، فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مازندرانی، محمدصالح، ۱۳۸۲، *شرح اصول کافی*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *در جستجوی عرفان اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۰، *اخلاق در قرآن*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یزدان‌پناه، سیدیدالله، ۱۳۹۰، *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

است؛ ولی در جان و قلب حیوان است. بنابراین وظیفهٔ مربیان و عالمان جامعهٔ اسلامی، تدارک سازوکارهایی مناسب است تا این جنبهٔ فطرت آدمیان بیدار و شکوفا شود و در مسیر تصعید قرار گیرد. پیمودن این سفر از بیداری و معرفت لازم آغاز می‌شود، و با مرکب محبت و عشق، انسان را به اطاعت و تسلیم می‌رساند.

تربیت معنوی و عرفانی همانند سفری است که در آن نیاز به شناخت و سازوکارهای مناسب است. عارفان واصل و راه‌یافتگان کوی دوست سیر الی الله را همچون سفری ترسیم کرده‌اند که در آن باید به موانع آغاز سفر، مدت سفر، لوازم سفر، مرکب راهوار سفر، راهنمایان سفر، زاد و توشهٔ سفر، مقاطع سفر، منازل سفر، مقصد سفر، گردنه‌ها و راه میان‌بر سفر، باید توجه کرد. در این سفر رهنمان فراوان و راه‌های انحرافی بسیاری وجود دارند که بدون استعانت و یاری‌طلبی از رهبران راه‌یافته، ناشناخته می‌مانند و رهرو را در گردنه‌های مسیر زمین‌گیر می‌کنند.

سحرم هاتف میخانه به دولتخواهی گفت
قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مکن
اگر ت سلطنت فقر بیخشنند ای دل
حافظ خام‌طمع شرمی از این قصه بدار

باز آی که دیرینهٔ این درگاهی
ظلمات است بترس از خطر گمراهی
کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی
عملت چیست که فردوس برین می‌خواهی

پی‌نوشت‌ها

- این تعریف با واکاوی تعاریف متعدد موجود به دست آمده است.
- در تحقق تربیت عرفانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داد؛ برخی معتقدند چنانچه تربیت معنوی و عرفانی آغاز شود، تربیت اخلاقی نیز خودبه‌خود تحقق پیدا می‌کند. چون که صد آمد نود هم پیش ماست. یعنی در حقیقت وقتی مرتبی در جریان تربیت معنوی قرار گرفت همچنان که مراحل تربیت معنوی را طی می‌کند و گام به گام پیش می‌رود، تربیت اخلاقی که وجه رقیق تربیت عرفانی است نیز محقق می‌شود. در حقیقت آنچنان که در تربیت عرفانی مراحل به صورت گام به گام مطرح شده است مثل منازل السائرين، در تربیت اخلاقی مراحل این‌گونه نیامده است و بسته به مشکلات فرد راهنمایی‌های لازم ارائه می‌شود (برداشت از بحث‌های استاد تحریری).
- با مطالعه برخی از منابع عرفانی که در فهرست منابع آمده است مجموعه‌ای از روش‌ها به دست آمد که بر اساس اهداف و اصول تنظیم و طبقه‌بندی شده است.